

**گزارش سالانه حقوق بشر**

**ایران و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا**

**سال میلادی ۲۰۲۳**

**AMNESTY  
INTERNATIONAL**



**عفو بین‌الملل جنبشی است متشکل از ۱۰ میلیون انسان که تلاش می‌کند حس انسانیت تمام انسان‌ها را برانگیزد و برای اعمال تغییراتی کارزار برپا کند که به موجب آن‌ها، همه ما از حقوق انسانی‌مان بهره‌مند بشویم. چشم‌انداز ما تحقق جهانی است که در آن سیاستمداران به تعهدات خود عمل کنند، قوانین بین‌المللی را محترم بشمارند و برای اعمال خود پاسخگو نگه داشته شوند. ما بدون وابستگی به هر دولت یا هرگونه ایدئولوژی سیاسی و فارغ از هرگونه منافع اقتصادی یا گرایش‌های مذهبی عمل می‌کنیم و هزینه‌های ما عمدتاً از طریق کمک‌های مالی اعضا و سایر اشخاص و نهادها تأمین می‌شود. ما باور داریم که با شفقت و فعالیت در همبستگی با مردم در هر نقطه جهان می‌توان وضعیت جوامع انسانی را در مسیر بهتر شدن تغییر داد.**

به استثنای مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین «Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیرتجاری، بدون اشتقاق، بین‌المللی، نسخه ۴.۰) قرار دارد.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید:  
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/legalcode>

اگر بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین‌الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی‌گیرد.

این گزارش در سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) توسط عفو بین‌الملل منتشر شده است.

## فهرست

پیش‌گفتار	۴
۱. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا	۵
۱.۱. منازعه نظامی اسرائیل و فلسطین	۶
۱.۲. واکنش جامعه بین‌الملل	۶
۱.۳. سایر موارد نقض حقوق بین‌المللی بشر دوستانه	۸
۱.۴. سرکوب اعتراضات	۸
۱.۵. انکار حقوق اقتصادی و اجتماعی	۱۰
۱.۶.۱. زنان و کودکان دختر	۱۱
۱.۶.۲. افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی	۱۱
۱.۶.۳. جوامع نژادی، قومی، ملی و مذهبی	۱۲
۱.۷. حقوق آوارگان داخلی، مهاجران و پناهندگان	۱۳
۱.۸. مجازات اعدام	۱۴
۱.۹. بحران آب و هوا	۱۴
۱.۱۰. شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها	۱۵
۱.۱۱. مصونیت از مجازات	۱۶
۲. ایران	۱۸
۲.۱. پس‌زمینه	۱۸

- ۲.۲ آزادی بیان، تشکل و تجمع ..... ۱۹
- ۲.۳ بازداشت خودسرانه و محاکمه‌های ناعادلانه ..... ۲۰
- ۲.۴ ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز ..... ۲۰
- ۲.۵ تبعیض و خشونت علیه زنان و دختران ..... ۲۱
- ۲.۶ تبعیض ..... ۲۲
- ۲.۶.۱ اقلیت‌های اتمیکی ..... ۲۲
- ۲.۶.۲ اقلیت‌های مذهبی ..... ۲۲
- ۲.۶.۳ اعضای جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی ..... ۲۳
- ۲.۷ حقوق پناهندگان و مهاجران ..... ۲۳
- ۲.۸ اعدام ..... ۲۳
- ۲.۹ مصونیت ..... ۲۴
- ۲.۱۰ حق داشتن محیط زیست سالم ..... ۲۵

## پیش‌گفتار

گزارش پیش‌رو ترجمه فارسی بخش مرور اجمالی وضعیت حقوق بشر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا و بخش ایران در گزارش جهانی سال ۲۰۲۳ سازمان عفو بین‌الملل است. نسخه اصلی گزارش جهانی، که به زبان انگلیسی تهیه شده است، شامل یک تحلیل جهانی، ۱۵۵ مدخل کشوری و ۵ مرور منطقه‌ی است که تصویری اجمالی از روندهای حقوق بشری در مناطق آفریقا، آمریکا، آسیا و اقیانوسه، اروپا و آسیای مرکزی، و خاورمیانه و شمال آفریقا ارائه می‌دهند. در مقدمه گزارش، دبیرکل عفو بین‌الملل، انی‌اس کالامار دیدگاه خود درباره وضعیت حقوق بشر در جهان را ارائه کرده است.

بخش تحلیل جهانی بر چهار موضوع متمرکز است که در سطح جهانی برخی از روندهای ثبت‌شده در سایر بخش‌های گزارش را نشان می‌دهند: سوءرفتار با غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه؛ مقابله فزاینده علیه عدالت جنسیتی؛ تأثیر ویژه بحران‌های اقتصادی، تغییرات آب‌وهوایی و تخریب محیط زیست بر محروم‌ترین و به حاشیه‌رانده‌شده‌ترین جوامع؛ و تهدیدات فن‌آوری‌های جدید و موجود، از جمله هوش مصنوعی مولد. این‌ها از دیدگاه سازمان عفو بین‌الملل، چالش‌های حیاتی برای حقوق بشر در سراسر جهان در سال ۲۰۲۴ و پس از آن هستند.

# ۱. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

تشدید ویرانگر خشونت در مناقشه اسرائیل و فلسطین، پیامدهای عمیقی در سراسر منطقه و جهان به دنبال داشت. از آغاز درگیری‌ها در ماه اکتبر، نیروهای اسرائیلی بیش از ۲۱۰۰۰ شهروند غزه را که اکثراً غیرنظامی بودند کشتند در حالی که بسیاری از آن‌ها به صورت غیرقانونی هدف قرار گرفته‌اند، حماس نیز به صورت عامدانه شماری از غیرنظامیان را در اسرائیل کشت و شماری را هم به گروگان گرفت. ریشه‌های عمیق این درگیری به تحمیل آوارگی اجباری و سلب سرزمین‌های فلسطینیان در سال ۱۹۴۸ از سوی اسرائیل، اشغال نظامی غزه و کرانه باختری در سال ۱۹۶۷، ادامه‌ی سیستم آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینی‌ها و محاصره غیرقانونی ۱۶ ساله نوار غزه اشغالی برمی‌گردد.

تأثیرات دیگر درگیری‌های طولانی مدت در عراق، لیبی، سوریه و یمن هم به زندگی میلیون‌ها نفر، به‌ویژه اعضای جوامع به حاشیه رانده شده، از جمله آوارگان داخلی، پناهندگان و مهاجران و اقلیت‌های قومی، آسیب رسانده است و آن‌ها از ابتدایی‌ترین حقوق خود برای غذا، آب، مسکن مناسب، مراقبت‌های درمانی و امنیت محروم شده‌اند. حملات بدون تمایزگذاری بین غیرنظامیان و اهداف نظامی، تخریب زیرساخت‌ها، تحمیل آوارگی اجباری و حکمرانی همراه با بدرفتاری و نقض حقوق بشر از سوی نیروهای امنیتی، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح توأم با مصونیت کامل از مجازات ادامه یافته است.

حکومت‌های منطقه به تأثیرات افزایش شدید هزینه‌های زندگی، بحران‌های اقتصادی و بلایای طبیعی یا مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی، که همگی بر حقوق اساسی انسانی صدها میلیون نفر تأثیر می‌گذارد، واکنش مناسب نشان ندادند. کسانی که نارضایتی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را ابراز می‌کردند با اقدامات تنبیهی برای خاموش کردن صدای مخالفت‌شان مواجه شدند. مقامات، مخالفان و منتقدان را بازداشت، شکنجه و تحت تعقیب و محاکمه ناعادلانه قرار دادند و آن‌ها را با احکام سنگینی از جمله حکم اعدام، ممنوعیت سفر، تهدید و سایر اشکال آزار و اذیت مجازات کردند. روزنامه‌نگاران، صاحب‌نظران آن‌لاین، فعالان سیاسی و اتحادیه‌های کارگری، مدافعان حقوق بشر - از جمله مدافعان حقوق زنان، جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی (ال جی بی تی آی) و جوامع به حاشیه رانده شده - از جمله کسانی بودند که مورد هدف قرار گرفتند. در مصر، ایران و اردن، نیروهای امنیتی در کنار ناپدیدسازی قهری و دستگیری‌های خودسرانه دسته‌جمعی برای سرکوب اعتراضات، از قوای قهریه به طرز غیرقانونی و گاه مرگبار استفاده کردند. اکثر کسانی که مرتکب این گونه موارد نقض حقوق بشر شده‌اند، از مصونیت از مجازات برخوردار بودند.

تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد، ملیت، وضعیت قانونی، قومیت، گرایش جنسی، هویت یا بیان جنسیتی، مذهب و طبقه اقتصادی در سراسر این منطقه رایج بود. در برخی کشورها این امر در قانون نهادینه شده است.

همچنین رویدادهای شدید آب‌وهوایی مانند خشکسالی و گرمای شدید در بخش‌هایی از منطقه مرگ و ویرانی به بار آورد و حکومت‌ها در اتخاذ اقدامات لازم برای مقابله با تغییرات اقلیمی و تخریب محیط‌زیست قصور کردند؛ کشورهای قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی هم که میزبان ۲۸مین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل بود، چندین برنامه برای گسترش تولید سوخت‌های فسیلی اعلام کردند.

## ۱.۱ منازعه نظامی اسرائیل و فلسطین

در ماه اکتبر، منازعه دیرینه اسرائیل و فلسطین اوج گرفت و پیامدهای آن بر سیاست‌های منطقه‌ای و قوانین بین‌المللی حقوق بشر در سراسر منطقه و در سطح جهان اثر گذاشت. ۷ اکتبر، حماس و دیگر گروه‌های مسلح فلسطینی مرتکب جنایات جنگی شدند، از جمله کشتن عمدی صدها غیرنظامی در اسرائیل، گروگان‌گیری، و شلیک موشک به اسرائیل بدون تمایزگذاری بین غیرنظامیان و اهداف نظامی. در پی آن، نیروهای اسرائیلی نوار پرجمعیت غزه را به شدت بمباران کردند و مرتکب جنایات جنگی از جمله کشتن و مجروح کردن غیرنظامیان و تخریب و آسیب رساندن به خانه‌ها و دیگر سازه‌های غیرنظامی در حملات غیرقانونی از جمله حملات بدون تمایزگذاری بین غیرنظامیان و اهداف نظامی، شدند. نیروهای اسرائیلی بر جمعیت غیرنظامی از پیش محروم در غزه محاصره‌ی همه‌جانبه تحمیل کردند و نزدیک به ۱.۹ میلیون فلسطینی را به زور از خانه‌هایشان آواره کردند.

به گفته وزارت بهداشت غزه، در طی ۱۲ هفته بعد، بمباران و حمله زمینی بی‌امان نیروهای اسرائیلی به کشته شدن ۲۱۶۰۰ فلسطینی، که یک سوم آنها کودک بودند، منجر شد. تعداد بسیار دیگری زخمی شدند و بسیاری از مناطق مسکونی غزه با خاک یکسان شد. شواهد متقن، که شهادت‌های متعدد، تصاویر ماهواره‌ای و عکس‌ها و ویدئوهای راستی‌آزمایی شده توسط عفو بین‌الملل و دیگران، درستی آن‌ها را تأیید می‌کند، نشان می‌دهد چگونه نیروهای اسرائیلی کمپ‌های پرازدحام پناهجویان و ساختمان‌های مسکونی را بمباران کردند و در موارد متعددی کل اعضای خانواده‌ها را از بین بردند و بیمارستان‌ها، کلیساها، مساجد، مدارس زیر نظر سازمان ملل، نانوايي‌ها، جاده‌ها و سایر زیرساخت‌های حیاتی را ویران کردند. هشدارهای ابهام‌آمیز اسرائیل برای «تخلیه» شمال غزه، حتی زمانی که بمباران مناطق به ظاهر امن در جنوب آن ادامه داشت، به منزله جابه‌جایی اجباری غیرنظامیان بود که نقض قوانین بشردوستانه بین‌المللی است.

در نتیجه محاصره و حملات اسرائیل به بیمارستان‌ها، هزاران فلسطینی بی‌دلیل جان خود را از دست دادند، ۲.۲ میلیون نفر از مردم غزه از دسترسی به آب آشامیدنی کافی، غذا، تجهیزات پزشکی و سوخت محروم شدند، و سیستم بهداشتی به طور کامل دچار فروپاشی شد.

با متمرکز شدن توجه بین‌المللی به غزه، حملات خشونت‌آمیز نیروهای مسلح اسرائیل و شهرک‌نشینان مسلح یهودی مورد حمایت دولت به فلسطینیان در کرانه باختری اشغالی، از جمله قدس (اورشلیم) شرقی، تشدید شد و در نتیجه آن ۵۱۱ نفر کشته و هزاران نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. چنین حملاتی توأم با مصونیت از مجازات انجام شد. مقامات اسرائیلی همچنین بدون توجیه نظامی، صدها ساختمان فلسطینی‌ها را تخریب کردند و ۲۲۴۹ نفر را آواره کردند و استفاده از بازداشت اداری را به میزان قابل توجهی افزایش دادند.

## ۱.۲ واکنش جامعه بین‌الملل

با وجود سطوح سرسام‌آور کشتار غیرنظامیان، ویرانی و مصیبت در غزه و اسرائیل، جامعه بین‌الملل در اتخاذ اقدامات معنادار و موثر قصور کرد و برخی از کشورها، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، همچنان به مسلح کردن طرفین درگیری با سلاح‌هایی که از آن‌ها در نقض آشکار حقوق بشر استفاده می‌شود ادامه دادند. ایالات متحده از قدرت و توتی خود برای جلوگیری از اتخاذ اقدامی موثر یا فراخوان برای آتش‌بس از سوی شورای امنیت سازمان ملل استفاده کرد.

کشورهای قدرتمند، از جمله ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای غرب اروپا، به صورت آشکار از اقدامات اسرائیل حمایت کردند که موجب شد ارزش‌های احترام به قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حمایت از غیرنظامیان زیر پا گذاشته شوند. عدم تمایل جامعه بین‌المللی به حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اسرائیل را برای تداوم تهاجم نظامی خود بدون توجه به تلفات ویرانگر آن بر غیرنظامیان غزه گستاخ‌تر کرد.

۱۶ نوامبر، گروهی از کارشناسان سازمان ملل به صورت آشکار هشدار دادند که جهان شاهد «یک نسل‌کشی در حال شکل‌گیری» در غزه است.

برخلاف عدم واکنش معنادار جامعه جهانی، صدها میلیون نفر در سراسر جهان با برپایی تظاهرات هفتگی گسترده، همبستگی خود با مردم غزه را نشان دادند و خواستار آتش‌بس و پایان‌دادن به محاصره آن شدند.

چنین تظاهراتی منطقه را در بر گرفت، از جمله در کشورهایی که روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کرده‌اند و برگزاری اعتراضات عمومی ممنوع یا خطرناک بود. در مصر، ده‌ها هزار نفر در سراسر کشور به خیابان‌ها ریختند و مقامات به صورت خودسرانه ده‌ها نفر را دستگیر کردند. در بحرین حدود هزار نفر تظاهرات کردند. تظاهرات بزرگی نیز در الجزایر، ایران، عراق، اردن، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه، تونس و یمن و همچنین در کرانه باختری رود اردن برگزار شد.

۱۱ نوامبر، در نشست مشترک بی‌سابقه اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی، رهبران تجاوز اسرائیل به نوار غزه، جنایات جنگی و «قتل‌عام‌های وحشیانه و غیرانسانی» از سوی دولت اشغالگر را محکوم کردند. در ماه دسامبر، آفریقای جنوبی دادخواستی به دیوان عدالت بین‌المللی ارائه داد و خواستار آغاز روندی حقوقی علیه اسرائیل در رابطه با نقض کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ در غزه شد.

در همین حال، نگرانی‌ها در مورد گسترش درگیری‌ها افزایش یافت. از ۷ اکتبر، خصومت‌های فرامیزی بین اسرائیل و حزب‌الله و سایر گروه‌های مسلح در جنوب لبنان منجر به کشته شدن دست‌کم چهار غیرنظامی اسرائیلی و کشته شدن دست‌کم ۲۰ غیرنظامی در لبنان شد. بین ۱۰ تا ۱۶ اکتبر، نیروهای اسرائیلی در عملیات نظامی در امتداد مرز جنوبی با لبنان، گلوله‌های حاوی فسفر سفید شلیک کردند. عفو بین‌الملل خواستار تحقیقات درباره حمله به الظهیره به عنوان جنایت جنگی احتمالی شد. ۱۳ اکتبر، با شلیک توپخانه اسرائیل به جنوب لبنان یک خبرنگار کشته و شش تن دیگر زخمی شدند. در همان ماه، حملات اسرائیل در جنوب سوریه هشت سرباز را کشت و چهار بار فرودگاه حلب را هدف قرار داد. از ۹ اکتبر، ارتش اسرائیل بارها به گذرگاه مرزی رفح با مصر حمله کرد که در یک مورد موجب زخمی شدن مرزبانان مصری شد.

در سطح جهانی، نفرت‌پراکنی و نژادپرستی آن‌لاین علیه جوامع فلسطینی و یهودی، از جمله تحریک به خشونت، خصومت و تبعیض، تشدید شد و برخی از حکومت‌ها برای سرکوب تظاهرات و شعارهای حمایتی از فلسطین، حقوق آزادی بیان و برگزاری تجمعات را سرکوب کردند.

بر اساس قوانین بین‌المللی بشردوستانه، همه طرف‌های درگیری باید از غیرنظامیان و مکان‌ها و اسباب غیرنظامی محافظت کنند. عفو بین‌الملل خواستار آتش‌بس فوری برای جلوگیری از تلفات بیشتر غیرنظامیان، به منظور رساندن کمک‌های بشردوستانه حیاتی به افراد نیازمند در غزه، و انجام تحقیقات مستقل بین‌المللی در مورد جنایات بین‌المللی است که همه طرف‌ها مرتکب شده‌اند. این سازمان خواستار آزادی فوری همه گروگان‌های غیرنظامی در دست حماس



و همه فلسطینی‌هایی است که اسرائیل به صورت خودسرانه بازداشت کرده است. جامعه بین‌المللی باید تحریم تسلیحاتی همه‌جانبه‌ای را علیه همه طرف‌های درگیر اعمال کند.

### **۱.۳ سایر موارد نقض حقوق بین‌المللی بشر دوستانه**

سایر درگیری‌های مسلحانه منطقه‌ای دیرپا و پیامدهای آن‌ها زندگی میلیون‌ها نفر را ویران کرد و طرف‌های درگیری -شماری از آن‌ها با حمایت دولت‌های خارجی- مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد نقض جدی حقوق بین‌المللی بشر دوستانه شده‌اند.

در دوازدهمین سال درگیری‌ها در سوریه، همه طرف‌ها و متحدان آن‌ها حملات غیرقانونی انجام دادند که منجر به کشته‌شدن غیرنظامیان و ویرانی زیرساخت‌های حیاتی شد. دولت سوریه با حمایت نیروهای دولتی روسیه حملات زمینی غیرقانونی متعددی انجام داد و از ماه اکتبر حملات هوایی به غیرنظامیان و مکان‌ها و اسباب غیرنظامی در شمال غرب سوریه را تشدید کرد و ده‌ها غیرنظامی را کشت و ده‌ها هزار نفر را آواره کرد.

در لیبی، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح حملات غیرقانونی انجام دادند و در محله‌های مسکونی از سلاح‌هایی با اثرات وسیع منطقه‌ای استفاده کردند که باعث کشته و زخمی شدن غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی در جریان درگیری‌های مسلحانه شد. هزاران نفر در ارتباط با درگیری‌ها یا وابستگی‌های قبیله‌ای یا سیاسی خود به صورت خودسرانه در بازداشت باقی ماندند. در یمن، با وجود کاهش درگیری‌های مسلحانه و حملات فرامرزی، همه طرف‌های درگیری مرتکب حملات غیرقانونی و کشتار مصون از مجازات شدند.

همه طرف‌های درگیری در منازعات مسلحانه باید قوانین بشردوستانه بین‌المللی را به ویژه با پایان دادن به حملات مستقیم به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی و حملات بدون تمایزگذاری بین اهداف نظامی و غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، رعایت کنند. دولت‌های خارجی باید انتقال تسلیحات را در مواردی که خطر جدی استفاده از آن‌ها برای ارتکاب یا تسهیل نقض جدی حقوق بشر یا قوانین بین‌المللی بشردوستانه وجود دارد، متوقف کنند.

### **۱.۴ سرکوب اعتراضات**

در سراسر منطقه، مقامات به نقض حقوق افرادی ادامه دادند که نظرات انتقادی یا مخالف خود را از جمله در فضای مجازی، در مورد حکومت یا نیروهای امنیتی، حقوق بشر، سیاست‌های اقتصادی، امور بین‌المللی یا مسائل اجتماعی که «غیراخلاقی» تلقی می‌شدند، ابراز می‌کردند.

در پی خیزش «زن، زندگی، آزادی» در ایران در سال ۱۴۰۱، مقامات سرکوب زنان و دخترانی که از حجاب اجباری سرپیچی می‌کردند و آزار و اذیت خانواده‌های معترضان و رهگذران کشته شده در جریان سرکوب اعتراضات، که به دنبال کشف حقیقت و اجرای عدالت هستند را تشدید کردند. آن‌ها همچنین ده‌ها تن از روزنامه‌نگاران، وکلا و مدافعان حقوق بشر را دستگیر کردند. مقامات در جریان اعتراضات شبکه‌های اینترنت و تلفن همراه را مختل کردند، با دستگیری‌های فله‌ای از برگزاری تظاهرات گسترده سراسری در سالگرد خیزش پائیز ۱۴۰۱ جلوگیری کردند و اعتراضات محلی کوچک‌تر را با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه و دستگیری‌های دسته جمعی سرکوب کردند.

قبل از انتخابات ریاست جمهوری جمهوری مصر در ماه دسامبر، که در آن نامزدهای مخالف از شرکت در انتخابات منع

شدند، سیاستمداران مخالف و حامیان آنها، بستگان مخالفان در خارج از کشور، اتحادیه های کارگری، وکلا، روزنامه نگاران و افرادی که به سوابق حقوق بشری و مدیریت بحران اقتصادی و نقش نظامیان انتقاد می کنند بیش از پیش از سوی مقامات هدف قرار گرفتند. نیروهای امنیتی همچنین به ناپدیدسازی قهری، شکنجه، تعقیب قضایی ناعادلانه و بازداشت خودسرانه مخالفان ادامه دادند.

برخی از کشورها از قوانین مبارزه با تروریسم یا اتهامات ساختگی برای خاموش کردن صدای مخالفان و اعمال مجازات های سخت علیه منتقدان خود استفاده کردند.

در الجزایر، مقامات فعالان و روزنامه نگاران را به دلیل ابراز دیدگاه های انتقادی، عمدتاً در فضای مجازی، تحت تعقیب قضایی قرار دادند و رسانه ها را تعطیل کردند. مقامات عراقی به حق آزادی بیان حمله کردند و سعی کردند قوانین و مقرراتی را برای محدود کردن این حق وضع کنند.

در تونس، مقامات سرکوب مخالفان را تشدید کردند و به شکل فزاینده ای از اتهامات بی اساس توطئه و تروریسم علیه چهره های برجسته مخالف و سایر منتقدان استفاده کردند و به صورت مکرر از یک قانون سخت گیرانه جدید جرائم سایبری استفاده کردند. اعضای حزب اپوزیسیون النهضه به طور خاص هدف قرار گرفتند و بسیاری از رهبران آن برای مدت طولانی در بازداشت پیش از محاکمه نگه داشته شدند. بیش از ۵۰ فعال سیاسی با اتهامات واهی «توطئه» مورد بازجویی قرار گرفتند و در همان حال، ده ها معترض مدنی و زیست محیطی به ناحق تحت پیگرد قضایی و محاکمه قرار گرفتند.

در عربستان سعودی، مقامات افرادی را که مخالف تلقی می شدند به صورت بی امان هدف قرار دادند. دادگاه جنایی تخصصی (اس سی سی) که برای رسیدگی به جرائم مرتبط با تروریسم تاسیس شده بود، افراد را به دلیل استفاده از حقوق شان برای تشکیل یابی یا آزادی بیان، از جمله بیان مسالمت آمیز در فضای مجازی، پس از محاکمه های بسیار ناعادلانه به حبس های طولانی مدت محکوم کرد. دادگاه تجدیدنظر اس سی سی محکومیت سلما الشهاب را برای جرایم مرتبط با تروریسم، از جمله انتشار پست ها و توثیتهایی در شبکه های اجتماعی در حمایت از حقوق زنان با این عنوان که این نوشته ها «نظم عمومی را برهم می زند و امنیت جامعه و کشور را متزلزل می کند»، تأیید کرد. او به ۲۷ سال زندان و به دنبال آن ۲۷ سال ممنوعیت از سفر محکوم شد.

در جریان کنفرانس سالانه تغییرات اقلیمی سازمان ملل (COP28) که به میزبانی امارات متحده عربی برگزار شد، محاکمه دسته جمعی بیش از ۸۰ اماراتی، از جمله مدافعان حقوق بشر و زندانیان عقیدتی که از یک دهه پیش زندانی هستند، با اتهامات واهی تروریسم آغاز شد. دست کم ۲۶ زندانی عقیدتی به دلیل ابراز مسالمت آمیز عقاید خود در امارات در بازداشت باقی ماندند.

جدای از راهپیمایی های حمایت از فلسطین، سرکوب دائمی یا تشدید یافته در بخش های زیادی از منطقه، مانع از برگزاری اعتراضات دسته جمعی شد و تظاهرات معدودی که برگزار شدند معمولاً با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه و دستگیری سرکوب شدند.

صدها هزار اسرائیلی علیه اصلاحات پیشنهادی قضایی تظاهرات کردند و در مواردی با دستگیری های خودسرانه و استفاده نامتناسب پلیس از قوای قهریه مواجه شدند. در همین حال، اسرائیل بر اساس فرمان نظامی ۱۰۱ اسرائیل به سرکوب حق فلسطینیان برای تظاهرات مسالمت آمیز و تجمع در کرانه باختری ادامه داد.

در اردن، مقامات به طور فزاینده‌ای فعالیت‌های مسالمت‌آمیز فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، کارگران، اعضای احزاب سیاسی، افراد جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی (ال جی بی تی آی)، و دیگران را تحت قوانین نادرست و با تعریف مبهم خفه کردند. یک قانون جدید جرایم سایبری حق افراد را برای بیان نظرات‌شان در فضای مجازی بیشتر سرکوب کرد. دست کم ۴۳ نفر به دلیل اظهارنظر در فضای مجازی، تحت قوانین سرکوب‌گرانه و مبهم مورد بازجویی یا محاکمه قرار گرفتند. دادگاه امنیتی نظامی ۹ نفر را محاکمه کرد.

دولت‌ها باید به حقوق آزادی بیان، تشکلیابی و برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز احترام بگذارند، از جمله تضمین کنند روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و فعالان می‌توانند از این حقوق بدون آزار دیدن، خشونت و پیگرد قضایی بهره‌مند شوند و افرادی که به دلیل استفاده از این حقوق بازداشت شده‌اند را آزاد کنند.

## ۱.۵ انکار حقوق اقتصادی و اجتماعی

افزایش تورم، تصور دولتی و سایر عوامل -در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی- فشار زیادی را بر قیمت‌های انرژی و مواد غذایی در سراسر منطقه وارد کردند، که ضربه‌های سنگینی به کشورهای دارای منابع اندک و جمعیت زیاد وارد آورد که شماری از آنان همچنان در حال بازیابی از تأثیرات اقتصادی و سایر تأثیرات همه‌گیری کووید ۱۹ هم بودند. این وضعیت باعث شد میلیون‌ها نفر با عدم امنیت غذایی مواجه شوند و حقوق آن‌ها برای آب، بهداشت و استانداردهای مناسب زندگی زیر پا گذاشته شود. بدترین آسیب‌ها را کسانی که با اشکال ترکیبی تبعیض روبه‌رو هستند از جمله زنان، کارگران کم‌دستمزد، پناهندگان، مهاجران و آوارگان داخلی، تجربه کردند.

در لبنان بحران اقتصادی عمیق‌تر شد، با تورمی که سه رقمی شد و تورم قیمت مواد غذایی که به بیش از ۳۰۰ درصد رسید، بسیاری از مردم به‌ویژه اعضا گروه‌های به حاشیه رانده شده، قادر به تهیه یا دسترسی به دارو و سایر مایحتاج اساسی از جمله آب آشامیدنی، غذای کافی، برق و سایر کالاهای اساسی و خدمات حیاتی نبودند. بحران اقتصادی مصر تأثیرات ویرانگری بر حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم داشت. دولت حدود نیمی از بودجه را به بازپرداخت بدهی‌ها اختصاص داد در حالی که نتوانست به تعهدات بودجه‌ای خود برای تامین هزینه‌ها برای بهداشت و آموزش و پرورش یا تنظیم مناسب برنامه‌های حمایت اجتماعی خود عمل کند. این وضعیت در ترکیب با تورم رو به افزایش، میلیون‌ها نفر دیگر را به فقر سوق داد.

در بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای دارای اقتصادهای غنی از نفت و گاز در حال رشد، دولت‌ها از کارگران با دستمزد پائین در برابر سواستفاده‌های کاری محافظت نکردند و کارگران را از حق پیوستن به اتحادیه‌های کارگری مستقل و حق اعتصاب محروم کردند. در کشورهای حاشیه خلیج فارس، کارگران مهاجر با دستمزد پائین همچنان با استثمار شدید، تبعیض، مسکن بسیار نامناسب، آزارهای فیزیکی و روانی، سرقت دستمزد به دست کارفرمایان و دسترسی محدود به خدمات درمانی مواجه بودند.

در قطر، علی‌رغم کمپین‌های پرمخاطب درباره حقوق کارگران مهاجر درگیر در پروژه‌های مرتبط با جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ که آن‌جا برگزار شد، کارگران مهاجر با آزارهای مختلف از جمله سرقت دستمزد، کار اجباری و محدودیت‌ها در تغییر شغل، و دسترسی ناکافی به سازوکارهایی برای شکایت و جبران خسارت، مواجه بودند. حداقل دستمزد پائین مانع از آن می‌شد که کارگران استاندارد مناسبی از زندگی داشته باشند یا بتوانند خود را از بند بدهکاری ناشی از پرداخت هزینه‌های غیرقانونی استخدام آزاد کنند. در قطر و برخی از کشورهای دیگر، کارگران خانگی که عمدتاً زنان

هستند، با شرایط کاری سخت و خطر بالای آزارهای فیزیکی و روانی، از جمله تعرض جنسی، مواجه بودند.

ده‌ها کارگر مهاجر نیالی که برای کار در انبارهای آمازون در عربستان سعودی قرارداد بسته بودند از نقض حقوق بشر، از جمله رفتاری که ممکن است به عنوان قاچاق انسان با هدف استثمار کاری تلقی شود، رنج بردند. آن‌ها در مورد شغل‌های خود فریب خورده بودند، دستمزدهایشان به آن‌ها داده نشد و در مسکن‌های وحشتناک اسکان داده شدند. برخی از آن‌ها به ویژه زمانی که از شرایط خود شکایت کردند، مورد آزار و اذیت کلامی یا فیزیکی قرار گرفتند.

دولت‌ها باید اقدامات فوری برای ایجاد تدابیر حمایت اجتماعی انجام دهند که همه افراد، از جمله گروه‌های به حاشیه رانده شده، را در برابر تأثیرات منفی بحران‌ها محافظت کند و خواستار تلاش‌های بین‌المللی هماهنگ برای تضمین حقوق سلامت، غذا و استانداردهای مناسب زندگی شوند. دولت‌ها باید از حق کارگران برای سازماندهی اتحادیه‌های کارگری مستقل و اعتراض حمایت کنند و حمایت‌های قانون کار را به کارگران مهاجر تعمیم دهند.

## ۱.۶ تبعیض

### ۱.۶.۱ زنان و کودکان دختر

در سراسر منطقه، زنان و کودکان دختر در قانون و عمل، از جمله در رابطه با حقوق آزادی رفت‌وآمد، آزادی بیان، استقلال بدنی، ارث، طلاق، مناصب سیاسی و فرصت‌های شغلی با تبعیض مواجه بودند. خشونت مبتنی بر جنسیت همچنان رایج بود و مرتکبین از مصونیت برخوردار بودند. در برخی کشورها، چنین خشونتی افزایش یافت و حمایت‌ها از زنان تضعیف شد. در الجزایر و عراق، قانون به متجاوزان اجازه می‌دهد تا با ازدواج با قربانیان خود از تعقیب قضایی فرار کنند. مراکش توصیه‌های بررسی ادواری شورای حقوق بشر برای جرم‌انگاری تجاوز زناشویی را رد کرد. «قتل‌های ناموسی» زنان و دیگر اشکال زن‌کشی از جمله در الجزایر و تونس ادامه یافت.

در اقلیم کردستان عراق، دولت اقلیم به عاملان خشونت خانگی اجازه داد تا از تعقیب قضایی بگریزند و به اندازه کافی از بازماندگان محافظت نکرد.

در ایران، مقامات سرکوب زنان و کودکان دختری را که از حجاب اجباری سرپیچی می‌کردند، با اعمال سیاست‌های جدید که به شدت حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سیاسی آن‌ها را نقض می‌کرد، تشدید کردند. اقدامات تنبیهی شامل ارسال یک میلیون پیامک هشدار به زنان مبنی بر تهدید به توقیف وسایل نقلیه و ارجاع هزاران نفر به قوه قضائیه بود.

در یمن، مقامات حوثی و گروه‌های مسلح محدودیت‌هایی را بر رفت‌وآمد زنان اعمال کردند و آن‌ها را از سفر بدون همراهی سرپرست مرد یا تأیید کتبی قیم منع کردند. در مصر، مقامات در اتخاذ اقدامات کافی برای جلوگیری از خشونت جنسی و جنسیتی از سوی مرتکبین دولتی و غیردولتی قصور کردند در حالی که گزارش‌های فزاینده‌ای درباره کشته شدن زنان به دست اعضای خانواده یا خواستگاران رد شده وجود دارد. در همین حال، زنان به دلیل اعتراض علیه خشونت جنسی یا به دلایل «اخلاقی» مورد پیگرد قضائی قرار گرفتند.

### ۱.۶.۲ افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی

مردم در سراسر منطقه به دلیل تمایلات جنسی یا هویت جنسیتی خود دستگیر و تحت پیگرد قضایی قرار گرفتند و

بسیاری از آن‌ها در صورت محکومیت به روابط جنسی همجنس‌گرایانه توافقی، با مجازات‌های سنگینی مواجه شدند. حملات به حقوق افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی در عراق، اردن، لبنان، لیبی و تونس تشدید شد. در لبنان، مقامات به خشونت علیه زنان و مردان همجنس‌گرا دامن زدند. در واکنش، ۱۸ سازمان رسانه‌ای به صورت مشترک سرکوب آزادی‌ها را محکوم کردند و ائتلافی متشکل از ۱۶ سازمان لبنانی و بین‌المللی از دولت لبنان خواستند تا قوانین پیشنهادی ضد جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی را لغو کند.

در لیبی، آژانس امنیت داخلی در طرابلس و دیگر شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح به صورت خودسرانه افراد را به دلیل تمایلات جنسی و/یا هویت جنسیتی واقعی یا تصور شده‌شان دستگیر کردند و «اعترافات» آلوده به شکنجه آن‌ها را پخش کردند. مقامات عراقی به رسانه‌ها دستور دادند که اصطلاح «همجنس‌گرایی» را با «انحرافات جنسی» جایگزین کنند. در تونس، دادگاه‌ها بر اساس مقرراتی که روابط توافقی همجنس‌گرایانه را جرم انگاری می‌کند، احکام دو سال زندان صادر کردند. در اردن، برخی از نمایندگان پارلمان، یک کمپین ضد افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی را رهبری کردند و خواستار جرم انگاری روابط جنسی میان افراد همجنس شدند که باعث ایجاد سخنان نفرت‌انگیز و تهدید علیه افراد جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی و حامیان آن‌ها شد.

### ۱.۶.۳ جوامع نژادی، قومی، ملی و مذهبی

در سراسر منطقه، اعضای جوامع و اقلیت‌های نژادی، قومی، ملی و مذهبی با تبعیض در قانون و عمل، از جمله در رابطه با حقوق خود برای عبادت، دسترسی برابر به شغل و مراقبت‌های درمانی، و زندگی عاری از آزار و اذیت و سایر نقض‌های جدی حقوق بشری مواجه شدند.

اسرائیل از طریق سرکوب و سلطه بر فلسطینیان از طریق تجزیه سرزمینی، جداسازی و کنترل، تصاحب زمین و اموال و محرومیت از حقوق اقتصادی و اجتماعی، به تثبیت شکل افراطی از تبعیض - سیستم آپارتاید - ادامه داد. این امر با ارتکاب سیستماتیک طیف وسیعی از نقض‌های حقوق بشر، از جمله انتقال اجباری، بازداشت اداری، شکنجه، قتل، محرومیت از حقوق و آزادی‌های اولیه، و آزار و تعقیب به دست آمد.

در ایران، اقلیت‌های اتنیکی از جمله عرب اهوازی، ترک آذربایجانی، بلوچ، گُرد و ترکمن با تبعیض مواجه شدند و دسترسی آن‌ها به تحصیل، اشتغال، مسکن مناسب و مناصب سیاسی محدود شد. مسیحیان، دراویش گنابادی، یهودیان، یارسان و مسلمانان سنی نیز در قانون و عمل با تبعیض مواجه بودند. اقلیت بهایی به ویژه در معرض نقض گسترده و سیستماتیک قرار گرفت.

قانون تبعیض آمیز در کویت، بیدون (جمعیت بومی بدون تابعیت) را از دسترسی به خدمات دولتی رایگان، از جمله آموزش که به شهروندان ارائه می‌شود محروم کرد. در مصر، مقامات، اعضای اقلیت‌های مذهبی و افرادی را که عقاید ابراز شده آنان را دولت تأیید نمی‌کرد، دستگیر کرده و مورد پیگرد قانونی قرار دادند. در لیبی، جوامع تابو و طوارق، که به دلیل تبعیض از داشتن کارت هویت ملی محروم شدند، در بحبوحه تشدید نژادپرستی و بیگانه‌هراسی، برای دسترسی به خدمات اولیه با چالش مواجه بودند.

دولت‌ها باید برای پایان دادن به تبعیض جنسیتی و خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران و افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی اقدام فوری انجام دهند و مسئولین چنین جرائمی را به دست عدالت بسپارند. آن‌ها همچنین باید از روابط جنسی توافقی میان افراد همجنس جرم‌زدایی کنند. دولت‌ها باید به

تبعیض بر اساس نژاد، منشا ملی، قومیت، مذهب، جنسیت، گرایش جنسی و هویت و بیان جنسیتی پایان دهند و اصلاحات قانونی و سیاست‌گذاری را برای اعطای حقوق برابر برای همه بدون تبعیض اجرا کنند و حق آزادی، اندیشه، وجدان، دین و باور را حفظ، ترویج و تضمین کنند.

## ۱.۷ حقوق آوارگان داخلی، مهاجران و پناهندگان

درگیری‌های طولانی در عراق، لیبی، سوریه و یمن باعث شد تعداد زیادی از آوارگان داخلی برای بقا تلاش کنند. بیشتر آن‌ها با موانعی برای دسترسی به خدمات، تبعیض، موانع بر سر راه بازگشت به خانه و یا اقدامات تلافی‌جویانه در صورت تلاش برای بازگشت بدون مجوز، و محدودیت‌ها و کاهش کمک‌های بشردوستانه حیاتی مواجه بودند.

در عراق، دست کم ۱.۱ میلیون نفر در نتیجه درگیری با گروه مسلح داعش همچنان به صورت آواره باقی مانده‌اند، در حالی که تقریباً شش سال پس از پایان این درگیری، اکثریت آنان همچنان در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز باقی مانده‌اند. در ماه آوریل، مقامات عراقی بدون هشدار یا هماهنگی با فعالان گروه‌های بشردوستانه، آخرین اردوگاه فعال آوارگان داخلی را بستند.

در سوریه، حدود ۲.۹ میلیون آواره داخلی در شمال غرب این کشور همچنان به کمک‌های بشردوستانه هماهنگ شده سازمان ملل متکی بودند و در سال ۲۰۲۳، حداقل ۱۱۸ هزار نفر دیگر به دلیل درگیری‌های مسلحانه آواره شدند. دولت سوریه دسترسی غیرنظامیان از جمله بسیاری از آوارگان داخلی را که در مناطق عمدتاً گردنشین در شمال حلب زندگی می‌کردند و قبلاً هم با کمبود شدید سوخت و کمک مواجه بودند، به مواد ضروری محدود کرد.

بلاهای طبیعی که تأثیرات آن با سومدیریت دولت، مصونیت از مجازات و حکمرانی شبه نظامیان تشدید شد، مشکلات آوارگان را تشدید کرد و صدها هزار نفر را به صفوف آن‌ها اضافه کرد. زمین لرزه‌های جنوب شرق ترکیه و شمال سوریه در ۶ فوریه باعث آواره شدن نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر در سوریه شد و نزدیک به ۹ میلیون نفر را نیازمند کمک فوری بشردوستانه کرد. بسیاری از خانواده‌ها، خانه‌های خود را از دست دادند و مجبور شدند در پناهگاه‌ها و کمپ‌های موقت زندگی کنند. زمین لرزه‌ها همچنین نیازهای بشردوستانه همه کسانی را که قبلاً در شمال غرب سوریه آواره شده بودند، افزایش داد، از جمله تعداد فزاینده‌ای که در چادرهایی با دسترسی محدود یا بدون دسترسی به آب، بهداشت و مراقبت‌های درمانی زندگی می‌کردند.

حقوق مهاجران و پناهندگان در سراسر منطقه ضربه دید. در لبنان که میزبان حدود ۱.۵ میلیون سوری و بیش از ۲۰۰ هزار پناهجوی دیگر است، قصور دولت در کاهش اثرات بحران اقتصادی این کشور باعث شد حدود ۹۰ درصد از پناهندگان سوری در فقر شدید و بدون دسترسی به غذا و خدمات اولیه قرار گیرند. افزایش گفتمان‌های ضد پناهجویان که گاه مقامات محلی و سیاستمداران تقویت می‌کردند، محیط خصمانه برای پناهندگان را تشدید کرد. در ماه‌های آوریل و می، نیروهای مسلح لبنان به خانه‌های آوارگان سوری یورش بردند و اکثر آن‌ها را اخراج کردند. آن‌ها در ماه سپتامبر به اردوگاه‌های پناهندگان در منطقه بقاع و شهر عرسال یورش بردند و اموال آن‌ها را مصادره کردند. در اردن، ۲ میلیون فلسطینی و تقریباً ۷۵۰ هزار پناهنده دیگر با فقر و شرایط رو به وخامت مواجه بودند که بخشی از آن به دلیل کاهش کمک‌های بین‌المللی بود.

از ماه ژوئیه، مقامات تونس هزاران مهاجر سیاه‌پوست، پناهجو و پناهنده از جمله کودکان را به اجبار به بیابان‌های

مرزی با لیبی و الجزایر بردند و به زور اخراج کردند و آن‌ها را بدون غذا و آب رها کردند که در نتیجه دست‌کم ۲۸ نفر کشته شدند. مقامات، از جمله رئیس‌جمهور سعید، به سطح بی‌سابقه‌ای از خشونت نژادپرستانه علیه مهاجران سیاه پوست دامن زدند. پلیس از گاز اشک‌آور علیه مهاجران، پناهجویان و پناهندگانی استفاده کرد که در مقابل دفاتر سازمان ملل در تونس تحصن کردند و معترضان را در بازداشتگاه شکنجه کردند. در لیبی، پناهندگان و مهاجران، از جمله آن‌هایی که گارد ساحلی و گروه‌های مسلح مورد حمایت اتحادیه اروپا رهگیری کردند و به زور به لیبی بازگردانده شدند، مورد بازداشت خودسرانه‌ی نامحدود، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، و اخاذی قرار گرفتند و به کار اجباری واداشته شدند و بیش از ۲۲ هزار نفر به زور به چاد، مصر، نیجر و سودان اخراج شدند.

عربستان سعودی در جریان سرکوب مهاجران بدون مدارک قانونی، هزاران نفر را به زور به کشورهای خود بازگرداند. در ایران، حدود ۵ میلیون تبعه افغان که در آن‌جا زندگی می‌کنند با تبعیض ریشه‌دار، از جمله موانع متعدد برای دسترسی به خدمات اولیه، مواجه بودند. مقامات افغان‌هایی را که خارج از رویه‌های قانونی وارد ایران شده‌اند تهدید به اخراج کرده و افغان‌ها را از زندگی و/یا کار در برخی استان‌ها منع کرده‌اند.

دولت‌ها باید گام‌های مشخصی برای تضمین بازگشت داوطلبانه، ایمن و با عزت آوارگان داخلی به مناطق اصلی خود بردارند. آن‌ها همچنین باید به بازداشت خودسرانه پناهندگان و مهاجران بر اساس وضعیت مهاجرتی‌شان پایان دهند و از آن‌ها در برابر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در بازداشت، بازگرداندن و اخراج دسته‌جمعی محافظت کنند.

## ۱.۸ مجازات اعدام

اکثر دولت‌ها مجازات اعدام را حفظ کردند و برخی از آن‌ها احکام اعدام صادر کردند، از جمله برای اعمالی که تحت حمایت قوانین بین‌المللی هستند، مانند روابط جنسی توافقی میان افراد همجنس و ارتداد، و یا برای اتهامات ساختگی یا بیش از حد پدافند تا صدای مخالفان را خفه کنند. اعدام در مصر، ایران، عراق و عربستان سعودی انجام شد. در مصر، تعداد اعدام‌ها کاهش یافت اما در ایران افزایش یافت و در لیبی که اجرای اعدام در آن از سال ۲۰۱۱ متوقف شده است تهدیدها مبنی بر از سرگیری اعدام‌ها بالا گرفت. دادگاهی در عربستان سعودی برای اولین بار حکم اعدام را برای فعالیت در رسانه‌های اجتماعی صادر کرد.

دولت‌ها باید فوراً یک دستور رسمی برای تعلیق اعدام‌ها با هدف لغو مجازات اعدام صادر کنند.

## ۱.۹ بحران آب و هوا

سال ۲۰۲۳ پیامدهای وحشتناک تغییرات آب‌وهوایی، از جمله کمبود آب و شرایط آب‌وهوایی شدید که به طور فزاینده‌ای بر مناطق و جمعیت‌های آسیب‌پذیر تأثیر گذاشت، در منطقه نمایان شد و آمادگی ضعیف بسیاری از کشورها را برای مقابله یا مدیریت چنین پیامدهایی آشکار کرد.

طوفان دانیل باعث فروریختن دو سد با مدیریت و نگهداری ضعیف در شهر درنای لیبی شد. سیل‌های حاصله ۴۵۴۰ کشته، ۸۵۰۰ مفقود و بیش از ۴۴ هزار آواره برجای گذاشت. موج گرمای بی‌سابقه در الجزایر، دست‌کم ۱۴۰ آتش‌سوزی را برانگیخت که حدود ۳۴ نفر را کشت و ۱۵۰۰ نفر را آواره کرد. دمای بی‌سابقه‌ای در مراکش ثبت شد و در آگادیر به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد رسید. عراق و سوریه با خشکسالی دائمی مواجه بودند.

در همین حال، دولت‌های منطقه به طور کلی، به رویکرد معمول خود برای تولید سوخت‌های فسیلی ادامه دادند که به احتمال فراتر رفتن از هدف تعیین‌شده‌ی حفظ گرمایش جهانی زیر ۱.۵ درجه سانتی‌گراد کمک کرد و این دولت‌ها به تخریب محیط‌زیست و اکنشی مناسبی نشان ندادند. عراق از درآمدهای بی‌سابقه‌ی ناشی از فروش نفت خبر داد و برنامه‌هایی را برای حفر چاه‌های جدید و افزایش تولید نفت خود اعلام کرد. عربستان سعودی اعلام کرد که قصد دارد تولید خود را تا سال ۲۰۲۷ حدود ۱ میلیون بشکه در روز افزایش دهد و تولید گاز طبیعی خود را تا سال ۲۰۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دهد. این کشور علاوه بر این با مسدود کردن یک ابتکار عمل کشورهای گروه ۲۰ برای کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی، یکی از قوی‌ترین مخالفان حذف تدریجی سوخت‌های فسیلی در تصمیم کنفرانس سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی هم بود و به نقش خود به عنوان یک عامل مخرب در مذاکرات بین‌المللی برای حذف سوخت‌های فسیلی ادامه داد. کویت برنامه‌های خود برای افزایش تولید سوخت فسیلی دست‌کم تا سال ۲۰۳۵ را حفظ کرد و شرکت دولتی نفت کویت در ژوئن اعلام کرد که بیش از ۴۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۸ برای توسعه تولید نفت خود هزینه خواهد کرد. قطر تولید گاز طبیعی مایع خود را گسترش داد. با این حال، عمان برنامه‌ای را برای کاهش انتشار کربن با تمرکز بر برنامه سازمان ملل با عنوان «هدف‌گذاری برای خنثی بودن کربن» برای سال‌های ۲۰۳۰، ۲۰۴۰ و ۲۰۵۰ راه‌اندازی کرد، اگرچه همچنان بر تولید منابع انرژی تجدیدناپذیر تکیه کرده است.

انتخاب امارات متحده عربی به عنوان میزبان کنفرانس سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی بحث‌برانگیز بود زیرا شرکت دولتی ملی نفت ابوظبی، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان هیدروکربن در جهان است که سلطان الجابر، رئیس کنفرانس سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی، مدیریت و هدایت آن را بر عهده دارد. این شرکت پیشتر اعلام کرده بود که قصد دارد تولید سوخت فسیلی خود را به شدت گسترش دهد.

در ماه دسامبر، در کنفرانس سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی، دولت‌ها برای اولین بار با تصمیمی موافقت کردند که به سوخت‌های فسیلی اشاره می‌کند، اما از جمله با گذاشتن راه‌هایی که به تولیدکنندگان و دولت‌های تولیدکننده‌ی سوخت فسیلی اجازه می‌داد به رویکرد فعلی خود ادامه دهند، از آن‌چه که لازم بود فاصله زیادی داشت. دولت‌ها، از جمله آن‌هایی که بیشترین مسئولیت را در بحران اقلیمی دارند، چه برای تامین مالی برنامه‌های مرتبط با اقلیم برای کمک به سایر کشورها برای انتقال به انرژی پاک و چه برای سازگاری با اثرات مضر بحران اقلیمی، تعهدات کافی بودجه‌ای ندادند، و آن‌چه برای اجرایی کردن صندوق جبران ضرر و زیان بودجه ارائه دادند به سختی کافی است.

حکومت‌ها از جمله با محدود کردن انتشار کربن خود (به‌ویژه آن‌هایی که به صورت تاریخی در این مورد مسئول هستند) و پایان دادن به تامین مالی استخراج سوخت‌های فسیلی باید فوراً برای کاهش بحران اقلیمی و حفظ گرمایش جهانی در محدوده ۱.۵ درجه سانتی‌گراد بالاتر از سطح قبل از صنعتی شدن گام‌هایی را بردارند. همه کشورهای که منابع لازم را دارند باید به کشورهای که برای اقدامات ناظر به کاهش بحران اقلیمی و سازگاری منطبق با حقوق بشر به کمک نیاز دارند، کمک مالی را به طور قابل توجهی افزایش دهند.

## ۱.۱۰ شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها

شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی ادامه یافت و در مصر، ایران، لیبی، عربستان سعودی و سوریه در سطح گسترده‌ای به کار گرفته شد که گاه منجر به مرگ در بازداشتگاه بدون مجازات عاملان آن شد. گزارش‌های مستمری مبنی بر استفاده از شکنجه از الجزایر، عراق، اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی اشغالی، لبنان، مراکش، فلسطین (دولت) و امارات متحده عربی می‌رسد. شکنجه اغلب برای گرفتن «اعتراف» استفاده شده و



روش‌هایی شامل ضرب و شتم، شوک الکتریکی، اعدام ساختگی، آویزان کردن در موقعیت‌های دردآور، تجاوز جنسی و سایر خشونت‌های جنسی، محرومیت از مراقبت‌های درمانی و سلول انفرادی طولانی مدت را شامل می‌شود.

در مصر، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در زندان‌ها، پاسگاه‌های پلیس و تاسیساتی که آژانس امنیت ملی اداره می‌کند، امری معمول باقی ماند و شامل محرومیت عمدی از مراقبت‌های درمانی، سلول‌های انفرادی طولانی مدت، بمباران با نورهای روشن، نظارت مداوم با دوربین، و محرومیت از ملاقات با خانواده بود. در لیبی و ایران، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها به صورت گسترده و سیستماتیک ادامه یافت و «اعترافات» فیلم‌برداری شده در پی شکنجه به صورت عمومی پخش شد. در تقریباً تمام موارد ثبت شده در سراسر منطقه، مقامات به شکل مناسب در مورد ادعاهای شکنجه و مرگ‌های مشکوک در بازداشت را تحقیقات انجام ندادند. محمد بنهلیما، افشاگر، در دادگاهی در الجزایر در ماه ژوئیه گفت که ماموران اجرای قانون او را از جمله با برهنه کردنش، بستن پاها و دستانش و ریختن آب سرد روی او، شکنجه کرده‌اند و همچنین او را مورد آزار جنسی، ضرب و شتم و تهدید قرار دادند. قاضی تحقیقاتی درباره اتهامات شکنجه او آغاز نکرد و او به هفت سال زندان محکوم شد.

دولت‌ها باید از تحقیقات مستقل، بی‌طرف و موثر در مورد ادعاهای شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اطمینان حاصل کنند و تدابیری را برای جلوگیری از این جنایات اتخاذ کنند.

## ۱.۱۱ مصونیت از مجازات

دولت‌ها در سراسر منطقه به تسهیل مصونیت از مجازات برای مرتکبان نقض جدی حقوق بشر ادامه دادند و نقص‌های سیستم‌های قضایی عمیقاً معیوب را برجسته کردند.

در مصر، مصونیت از مجازات برای جنایات بین‌المللی و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر که در سال ۲۰۲۳ یا دهه گذشته انجام شده، از جمله قتل دست‌کم ۹۰۰ نفر در آگوست ۲۰۱۳ در جریان پراکنده کردن خشونت‌آمیز تحصن حامیان محمد مرسی، رئیس‌جمهور مخلوع، حاکم است. به همین ترتیب، تحقیقات در مورد انفجار بندر بیروت در لبنان در سال ۲۰۲۰ که منجر به کشته شدن حداقل ۲۳۶ نفر شد، از دسامبر ۲۰۲۱ به دلیل شکایات قانونی سیاستمداران دخیل در این تراژدی علیه قضات، به حالت تعلیق درآمد. در ایران، هیچ مقام حکومتی برای کشتار، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، و سایر جنایات بین‌المللی یا نقض شدید حقوق بشر که در سال ۲۰۲۳ یا سال‌های قبل انجام شده، پاسخگو نشده است.

جامعه بین‌المللی در پاسخگو کردن ناقضان حقوق بشر قصور کرده است. در ماه مارس، هیات حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل متحد، گزارش نهایی خود درباره لیبی را منتشر کرد که در آن به این نتیجه رسیدند که «زمینه‌هایی وجود دارد که باور کنیم نیروهای امنیتی دولتی و گروه‌های شبه‌نظامی مسلح طیف گسترده‌ای از جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را مرتکب شده‌اند». با این حال، شورای حقوق بشر سازمان ملل، ماموریت این هیات را تمدید نکرد. نگرانی‌ها در مورد بی‌طرفی، استقلال، شفافیت و موثر بودن تحقیقات اعلام شده توسط دادستان عمومی مستقر در طرابلس در مورد مرگ و ویرانی پس از طوفان دانیل، از جمله بررسی این‌که آیا مقامات لیبی و آن‌هایی که بالفعل مناطقی از کشور را تحت کنترل دارند در حمایت از حقوق حیات مردم قصور کرده‌اند، وجود دارد.

دولت‌ها باید با انجام تحقیقات کامل، مستقل، بی‌طرف، موثر و شفاف در مورد نقض حقوق بشر و جنایات بین‌المللی،

و محاکمه کردن مظنونان در محاکمات عادلانه در دادگاه‌های غیرنظامی، با مصونیت از مجازات مبارزه کنند.

## ۲. ایران

پس از خیزش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، مقامات جمهوری اسلامی نقض حقوق آزادی بیان، تشکل و برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز را شدت بخشیدند و سرکوب زنان و کودکان دختری را که از قوانین حجاب اجباری سرپیچی کردند، تشدید کردند. نیروهای امنیتی با اعمال غیرقانونی قوای قهریه و توسل به دستگیری‌های دسته‌جمعی اعتراضات را سرکوب کردند. هزاران نفر به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق بشر خودشان، در معرض بازجویی، بازداشت خودسرانه، پیگرد ناعادلانه و زندان قرار گرفتند. ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، گسترده و به صورت نظام‌مند صورت می‌گرفت. زنان و کودکان دختر، اعضای جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی (ال جی بی تی آی) و اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی در معرض تبعیض و خشونت نظام‌مند قرار گرفتند. حکم مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی از جمله شلاق صادر و اجرا شد. کاربرد مجازات اعدام به عنوان ابزار سرکوب سیاسی شدت گرفت و اعدام‌ها افزایش یافت. محاکمه‌ها به صورت نظام‌مند ناعادلانه باقی ماندند. مصونیت نظام‌مند از مجازات برای جنایات علیه بشریت گذشته و جاری مربوط به کشتار مخالفان و دگراندیشان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و سایر جنایات بین‌المللی ادامه یافت.

### ۲.۱ پس‌زمینه

در ماه مارس (فروردین ۱۴۰۲)، شورای حقوق بشر سازمان ملل ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر این سازمان برای ایران را تمدید کرد. او در گزارش ماه فوریه (بهمن ۱۴۰۲) خود «به احتمال ارتکاب جنایات بین‌المللی، به ویژه جنایات علیه بشریت از قبیل قتل، زندان، ناپدیدسازی قهری، شکنجه، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی و تعقیب و آزار» در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ اشاره کرد.

هیات حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی سازمان ملل برای ایران و دیگر کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد و ناظران بین‌المللی حقوق بشر، از ورود به ایران منع شده‌اند.

در ماه نوامبر (آبان ۱۴۰۲)، کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در بخش مشاهدات پایانی چهارمین گزارش دوره‌ای خود درباره ایران، از مقامات خواست قوانین حجاب اجباری را لغو کنند و گشت ارشاد را هم منحل کنند. این کمیته همچنین نسبت به مصونیت از مجازات برای رویه‌ی کاربرد قوای قهریه مرگبار به منظور سرکوب اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز ابراز نگرانی کرد و از مقامات خواست تا تحقیقات بی‌طرفانه و مستقلی را در مورد قتل، شکنجه و سایر موارد نقض حقوق بشر در جریان سرکوب اعتراضات پی در پی انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که مرتکبان آن به دست عدالت سپرده می‌شوند و قربانیان تسهیلات جبرانی دریافت می‌کنند.

در ماه می (خرداد ۱۴۰۲)، اولیویه ونده کاستیل، شهروند بلژیکی که به شکل ناعادلانه‌ای در ایران زندانی بود، در نتیجه توافق بلژیک/ایران آزاد شد و اجازه یافت از ایران خارج شود. در نتیجه این توافق، امکان آزادی زودهنگام و بازگشت اسدالله اسدی، مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی به ایران هم فراهم شد که به خاطر تلاش برای بمب‌گذاری در تجمع مخالفان جمهوری اسلامی در فرانسه در حال گذراندن محکومیت زندان ۲۰ ساله خود در بلژیک بود. این توافق‌نامه، به مصونیت مداوم مقامات جمهوری اسلامی از مجازات به خاطر گروگان‌گیری و سایر جنایات بین‌المللی که آنان مرتکب می‌شوند، کمک کرد (مدخل بلژیک را ببینید).

جمهوری اسلامی ایران به حمایت نظامی از نیروهای دولتی در درگیری مسلحانه در سوریه ادامه داد (مدخل سوریه را ببینید).

جمهوری اسلامی ایران به ارائه پهپادها به روسیه ادامه داد که از آن برای هدف قرار دادن و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی در اوکراین استفاده شد و فن‌آوری و دانش ساخت آن‌ها را هم به روسیه انتقال داد تا این کشور بتواند همین نوع پهپادها را تولید کند.

جمهوری اسلامی ایران دست داشتن یا اطلاع قبلی از حمله ۷ اکتبر به اسرائیل از سوی حماس و دیگر گروه‌های مسلح فلسطینی را رد کرد.

## ۲.۲ آزادی بیان، تشکل و تجمع

مقامات رسانه‌ها را سانسور کردند، روی امواج کانال‌های تلویزیون ماهواره‌ای پارازیت انداختند و به مسدود کردن و یا فیلتر کردن برنامه‌های تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی، از جمله فیس‌بوک، گوگل پلی، اینستاگرام، سیگنال، تلگرام، واتس‌اپ، ایکس (توییتر سابق) و یوتیوب ادامه دادند.

«طرح صیانت از کاربران فضای مجازی»، که حق حریم خصوصی مردم را نقض می‌کند و آزادی‌های آنلاین و دسترسی به اینترنت جهانی را تضعیف می‌کند، این طرح هنوز در مجلس در دست بررسی است.

شبکه‌های اینترنت و ارتباطات تلفن همراه در جریان اعتراضات و در آستانه اعتراضاتی که پیش‌بینی شده بود، دچار اختلال شدند.

مقامات برای جلوگیری از اعتراضات گسترده سراسری به روش‌های سرکوبگرانه متوسل شدند، در حالی که نیروهای امنیتی با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه و دستگیری‌های دسته‌جمعی، اعتراضات محلی کوچک‌تر را سرکوب کردند.

در ماه می (اردیبهشت ۱۴۰۲)، نیروهای امنیتی برای سرکوب روستائیان معترض به تخریب خانه‌های‌شان در روستای گوجاق استان هرمزگان، از قوای قهریه غیرقانونی استفاده کردند که منجر به مجروح شدن شماری از معترضان شد.

پیش از سالگرد خیزش «زن، زندگی، آزادی» و در طی آن، مقامات از جمله از رهگذر دستگیری خودسرانه بستگان قربانیان و مجبور کردن هزاران دانشجو به دادن تعهد برای عدم اعتراض، اعتراضات و مراسم‌های یادبود را سرکوب کردند.

حملات به اعتراضات هفتگی جمعه‌ها در شهر زاهدان، استان سیستان و بلوچستان با استفاده از گاز اشک‌آور، تفنگ‌های شاتگان و ماشین‌های آب‌پاش علیه هزاران معترض و نمازگزار از جمله کودکان و دستگیری‌های خودسرانه گسترده آنان به دست نیروهای امنیتی، ۲۸ مهر ۱۴۰۲ به اوج خود رسید.

هزاران نفر، از جمله کودکان، تنها به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق انسانی خود مورد بازجویی‌های توهین‌آمیز، بازداشت‌های خودسرانه، پیگرد قضایی ناعادلانه و تعلیق یا اخراج از تحصیل یا شغل قرار گرفتند. قربانیان شامل این افراد می‌شود: معترضان، زنانی که روسری‌های اجباری را در اماکن عمومی کنار می‌گذارند، روزنامه‌نگاران، بازیگران و موسیقی‌دانان، نویسندگان و دانشگاهیان، دانشجویان، افراد جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی

ال جی بی تی آی) و مدافعان حقوق بشر، از جمله فعالان حقوق زنان، فعالان ضد مجازات اعدام، و کلا و خانواده‌های دادخواه که جویای حقیقت و اجرای عدالت برای جان‌باختگان کشتارها هستند.

مقامات همچنان به ممنوعیت احزاب سیاسی مستقل، سازمان‌های جامعه مدنی و اتحادیه‌های کارگری ادامه دادند و کارگران و فعالان حقوق کار را به دلیل اعتصاب و برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، از جمله در روز جهانی کارگر، در معرض انتقام‌جویی قرار دادند.

## ۲.۳ بازداشت خودسرانه و محاکمه‌های ناعادلانه

محاکمه‌ها به صورت نظام‌مند، ناعادلانه بود و منجر به بازداشت خودسرانه هزاران نفر شد. زیرا گذاشتن نظام‌مند روند دادرسی منصفانه، شامل محرومیت از حق داشتن وکیل از زمان دستگیری، پذیرش «اعترافات» آلوده به شکنجه به عنوان مدرک، و محاکمه‌های شتابزده که منجر به حبس و همچنین مجازات شلاق و اعدام شد.

قوه قضائیه با توجه به فقدان استقلال و حضور مقاماتی در مناصب بالا که خود باید به دلیل جنایات بین‌المللی تحت تحقیق قرار گیرند، نقش اصلی را در تقویت روند مصونیت از مجازات برای شکنجه، ناپدیدسازی قهری و سایر موارد نقض حقوق بشر ایفا کرد.

مقامات از طریق تغییرات قانونی و سایر اقدامات سرکوبگرانه به دنبال تضعیف بیشتر استقلال کانون وکلای دادگستری ایران بودند.

رویه‌ی مصونیت از مجازات در مورد بازداشت خودسرانه‌ی اتباع خارجی و دوتابعیتی‌ها به عنوان اهرم فشار، که در برخی موارد مصداق جرم گروگان‌گیری بود، ادامه یافت.

حبس خانگی خودسرانه‌ی مخالفان سیاسی مهدی کروب‌ی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد وارد سیزدهمین سال خود شد.

## ۲.۴ ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیر آمیز

مقامات اغلب در مراکز تحت کنترل وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و ارگان‌های مختلف فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مرتباً بازداشت شدگان را در معرض ناپدیدسازی قهری و بازداشت بدون ارتباط با جهان بیرون، قرار می‌دادند.

شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله از طریق ضرب‌وشتم، شلاق، شوک الکتریکی، اعدام‌های ساختگی، محرومیت از غذا و آب، و سلول انفرادی طولانی‌مدت همه به صورت گسترده و نظام‌یافته انجام می‌شد. تلویزیون حکومتی «اعترافات» آلوده به شکنجه را پخش کرد.

زندانیان در معرض شرایط بی‌رحمانه و غیرانسانی، از جمله ازدحام بسیار زیاد، شرایط غیربهداشتی، تهویه ضعیف، هجوم موش یا حشرات، و دسترسی ناکافی یا عدم دسترسی به تخت‌خواب، توالت و وسایل شست‌وشو بودند.

مسئولان زندان و مقامات دادستانی اغلب عمداً زندانیان را از مراقبت‌های درمانی کافی از جمله برای درمان جراحات

مربوط به شکنجه محروم کردند. مرگ‌های مشکوک در بازداشت، در میان گزارش‌های معتبر از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله ضرب‌وشتم و محرومیت از مراقبت‌های درمانی، بدون رسیدگی و بدون مجازات باقی ماندند. از جمله کسانی که در شرایط مشکوک جان باختند، ابراهیم ریگی و جواد روحی بودند که در رابطه با خیزش ۱۴۰۱ بازداشت شده بودند.

در قانون مجازات اسلامی، مجازات‌هایی مانند شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها از جمله شلاق، کور کردن، قطع عضو، به صلیب کشیدن و سنگسار حفظ شده است.

بر اساس یافته‌های بنیاد عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر در ایران، دادگاه‌ها دست‌کم ۱۸۸ حکم شلاق صادر کردند و دست‌کم در ۹ مورد شناسایی شده این احکام شلاق را به اجرا گذاشتند. دو حکم قطع عضو به اجرا گذاشته شد و یک حکم کور کردن چشم از سوی دیوان عالی کشور تأیید شد.

## ۲.۵ تبعیض و خشونت علیه زنان و دختران

مقامات از جمله در رابطه با ازدواج، طلاق، حضانت فرزند، اشتغال، ارث و دسترسی به مناصب سیاسی، همچنان با زنان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌کنند.

سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سال باقی ماند و پدران می‌توانستند مجوز قضایی برای ازدواج اجباری دختران‌شان در سنین پایین‌تر از آن هم دریافت کنند.

مقامات سرکوب سراسری زنان و کودکان دختری را که از حجاب اجباری سرپیچی کردند، تشدید کردند و سیاست‌هایی را به اجرا گذاشتند که حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سیاسی آن‌ها را به شدت نقض کرده و آزادی جابه‌جایی آن‌ها را محدود کرد. سیاست‌های تنبیهی علیه زنان شامل این موارد بود: ارسال پیامک‌های هشدار به بیش از یک میلیون زن مبنی بر توقیف وسایل نقلیه آن‌ها؛ توقیف خودروهای زنان؛ ممانعت از دسترسی زنان به شغل، آموزش، مراقبت‌های پزشکی، خدمات بانکی و/یا حمل‌ونقل عمومی؛ و ارجاع زنان به قوه قضائیه که حبس، جزای نقدی و مجازات‌های تحقیرآمیز مانند شستن اجساد را برای آنان در نظر گرفته است. بر اساس خبرهای رسمی، بیش از ۱۸۰۰ واحد تجاری به دلیل عدم اعمال مقررات حجاب اجباری، به اجبار تعطیل شدند.

پلیس «گشت ارشاد» به خیابان‌ها بازگشت و در نتیجه آن، آزار و خشونت علیه زنان و کودکان دختر در ملاء عام تشدید شد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماه دسامبر (آذر ۱۴۰۲) با ورود به موضوع لایحه سرکوب‌گرانه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»، آن را تأیید و برای تصویب به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان متعاقباً لایحه را برای اعمال تغییراتی به مجلس باز فرستاد. این لایحه برای هر کسی که از حجاب اجباری سرپیچی کند تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته و بی‌توجهی افراد و نهادهای غیرحکومتی به رعایت حجاب اجباری، از جمله کسب‌وکارهایی که حجاب اجباری در محل کار آن‌ها رعایت نمی‌شود، را جرم‌انگاری کرده است.

۲۸ اکتبر (۶ آبان ۱۴۰۲)، آرمیتا گراوند ۱۶ ساله، در میانه گزارش‌هایی مبنی بر این‌که یک مامور اعمال قوانین حجاب اجباری به او حمله کرده، پس از ۲۸ روز در کما ماندن جان باخت. مقامات، یک روزنامه‌نگار را که در حال تحقیق در

مورد این واقعه بود دستگیر کردند، ویدئوهای تبلیغاتی منتشر کردند که از آن‌ها سلب مسئولیت می‌کرد و افرادی را که در مراسم یادبود او شرکت کردند مورد بازداشت خودسرانه، ضرب و شتم و/یا سایر اشکال آزار و اذیت قرار دادند.

بین ژانویه و آپریل (دی ماه ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۲)، هزاران دانش‌آموز دختر در نتیجه حملات شیمیایی که مدارس دخترانه را در سراسر کشور به طور عمدی هدف قرار دادند، مسموم و در بیمارستان بستری شدند. به نظر می‌رسد این حملات نتیجه یک کارزار هماهنگ برای مجازات دختران دانش‌آموز به دلیل برداشتن حجاب اجباری‌شان در جریان خیزش ۱۴۰۱ باشد. مقامات جمهوری اسلامی، والدین، دختران مدرسه‌ای، معلمان، روزنامه‌نگاران و دیگران را به دلیل تلاش آن‌ها برای کشف حقیقت و پاسخ‌گویی و انتقاد از قصور مقامات در توقف حملات در معرض خشونت، ارباب و دستگیری خودسرانه قرار دادند.

در ماه آپریل (فروردین ۱۴۰۲)، مجلس کلیات لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» را تصویب کرد. برخی از مفاد این لایحه، برای بررسی بیشتر به کمیسیون‌های مربوطه مجلس ارجاع شد. این لایحه بیش از یک دهه پیش برای رسیدگی به خشونت علیه زنان ارائه شده بود، اما متن آن برای حذف اشاره به «خشونت»، رقیق‌تر شد. این قانون، خشونت خانگی را از دایره تعریف جرم بیرون گذاشت، تجاوز زناشویی و ازدواج کودکان را جرم انگاری نکرد و هیچ سازوکاری در آن پیش‌بینی نشده تا مردانی که زنان یا دختران خود را به قتل می‌رسانند با مجازات‌های متناسب مواجه شوند.

مقامات در ارائه مراقبت‌های درمانی مختص قصور کردند.

## ۲.۶ تبعیض

### ۲.۶.۱ اقلیت‌های اتنیکی

اقلیت‌های اتنیکی از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ، کُرد و تُرکمن با تبعیض گسترده مواجه شدند و دسترسی آن‌ها به آموزش، اشتغال، مسکن مناسب و مناصب سیاسی محدود شد. ادامه سرمایه‌گذاری اندک در مناطقی که اقلیت‌های اتنیکی در آن سکونت دارند، فقر و حاشیه‌نشینی آن‌ها را تشدید کرد.

علی‌رغم درخواست‌های مکرر برای تنوع زبانی در روند آموزش، فارسی تنها زبان آموزشی در دوره آموزش ابتدایی و متوسطه باقی ماند.

نیروهای امنیتی به صورت غیرقانونی و ضمن برخورداری از مصونیت از مجازات، ده‌ها کولبر غیرمسلح کُرد در مناطق مرزی کُردستان ایران و عراق و همچنین سوخت‌بر بلوچ را در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان به قتل رساندند.

### ۲.۶.۲ اقلیت‌های مذهبی

اقلیت‌های مذهبی، از جمله بهائیان، مسیحیان، دراویش گنابادی، یهودیان، مسلمانان سنی و یارسان، در قانون و در عمل از جمله در دسترسی به آموزش، اشتغال، فرزندخواندگی، مناصب سیاسی و مکان‌های عبادت از تبعیض رنج می‌برند. صدها نفر به دلیل اظهار یا عمل به ایمان خود تحت بازداشت خودسرانه، محاکمه ناعادلانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفتند.

افرادی که از پدر و مادری که مقامات به عنوان مسلمان طبقه‌بندی کرده‌اند متولد می‌شوند، در صورت پذیرش ادیان دیگر یا اعلام بی‌دینی و خداناباوری، در معرض خطر بازداشت خودسرانه، شکنجه یا مجازات اعدام برای «ارتداد» قرار می‌گیرند.

اعضای اقلیت بهایی، از جمله از طریق ممنوعیت تحصیلات دانشگاهی، بازداشت‌های خودسرانه گسترده و همچنین تعطیل کردن اجباری کسب‌وکارهای آنان یا مصادره اموال‌شان مورد نقض حقوق بشر به طور گسترده و نظام‌مند قرار گرفته‌اند. مقامات از تدفین پیکر بهائیان در گورستانی که آن‌ها برای دهه‌ها در تهران استفاده می‌کردند، جلوگیری کرده‌اند. آن‌ها چندین بهایی متوفی را بدون اطلاع قبلی به خانواده‌هایشان و برخلاف آداب دفن بهائیان، به زور در محل گورهای دسته‌جمعی خاوران دفن کردند که گمان می‌رود حاوی بقایای قربانیان کشتار دسته‌جمعی مخالفان و دگراندیشان سیاسی زندانی در سال ۱۳۶۷ است.

مقامات به کلیساهای خانگی یورش بردند و نوکیشان مسیحی را در معرض بازداشت خودسرانه و مجازات‌هایی مانند زندان و «تبعید داخلی» قرار دادند.

### ۲.۶.۳ اعضای جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی

اعضا جامعه همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی (ال‌جی‌بی‌تی‌آی) از تبعیض و خشونت نظام‌مند رنج می‌برند. روابط جنسی توافقی همجنس‌ها با مجازات‌هایی از شلاق تا اعدام جرم‌انگاری شده است.

«درمان‌های تبدیلی» مورد تأیید حکومت، که معادل شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز هستند، همچنان از جمله علیه کودکان رایج هستند. هورمون درمانی و روش‌های جراحی، از جمله عقیم‌سازی، برای تغییر قانونی جنسیت ذکر شده در مدارک هویتی اجباری بود.

افرادی که هویت یا بیان جنسیتی‌شان با کلیشه‌ها و دوگانه جنسیتی زن و مرد ناسازگار است با خطر جرم‌انگاری و محرومیت از دسترسی به آموزش و کار مواجه شده‌اند.

### ۲.۷ حقوق پناهندگان و مهاجران

نزدیک به ۵ میلیون شهروند افغانستانی ساکن ایران با اعمال تبعیض گسترده از جمله موانع در دسترسی به تحصیل، مسکن، اشتغال، مراقبت‌های درمانی، خدمات بانکی و آزادی جابه‌جایی مواجه شدند.

رسانه‌های حکومتی و برخی از مقامات، پناهجویان افغانستانی را در اظهارات‌شان مورد حملات شدید قرار دادند و به نفرت‌پراکنی کلامی و انجام جنایات مبتنی بر نفرت علیه اتباع افغانستانی در ایران دامن زدند.

در ماه نوامبر (آبان ۱۴۰۱)، مقامات اعلام کردند که بازگرداندن مهاجران «غیرقانونی» افغانستانی از ماه اوت (مرداد ۱۴۰۱) آغاز شده و طی این ماه‌ها، ۴۵۰ هزار «داوطلبانه» به افغانستان بازگردانده شده‌اند.

### ۲.۸ اعدام

شمار اعدام‌ها از سال میلادی ۲۰۲۲ افزایش یافته و تعداد اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر هم تقریباً دو برابر شده



است.

مجازات اعدام پس از محاکمه‌های به‌شدت ناعادلانه و برای جرائمی که از «جدی‌ترین جرائم» متضمن قتل عمد به شمار نمی‌روند، صادر شده است. این جرائم، شامل قاچاق مواد مخدر، فساد مالی، خرابکاری و جرائمی مبهم مانند «محرابه» و «افساد فی الارض» بود.

مجازات اعدام همچنین به خاطر فعالیت‌ها یا اظهارنظرهایی، از جمله «توهین به پیامبر»، نوشیدن الکل، و روابط جنسی همجنس‌گرایانه رضایت‌مندانه بین بزرگسالان یا روابط جنسی خارج از ازدواج، صادر شده است در حالی که این اعمال در چارچوب حقوق مرتبط با حریم خصوصی و آزادی بیان، مذهب یا عقیده، قرار می‌گیرند. مجازات سنگسار برای زنان محصنه همچنان در قوانین وجود دارد.

مقامات از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب سیاسی معترضان، مخالفان و اقلیت‌های اتمیکی استفاده کردند. دو مرد تنها به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حق آزادی مذهب خود از طریق فعالیت‌هایشان در شبکه‌های اجتماعی به دلیل «ارتداد» اعدام شدند.

شش مرد جوان در رابطه با خیزش ۱۴۰۱، پس از محاکمه‌های ساختگی ناعادلانه بر اساس «اعترافات» زیر شکنجه و به صورت خودسرانه اعدام شدند.

اقلیت ستم‌دیده بلوچ به نسبت جمعیت‌شان تعداد بیشتری از اعدام‌شدگان را تشکیل می‌دادند.

چند نفر که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال داشتند، از جمله حمیدرضا آذری که در زمان اعدام ۱۷ سال داشت، اعدام شدند. ده‌ها نفر دیگر زیر حکم اعدام هستند.

## ۲.۹ مصونیت

در ماه می (اردیبهشت ۱۴۰۱)، رئیس‌جمهور تشکیل یک کارگروه غیرقضایی با عنوان «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» را در میان نگرانی‌ها در مورد بی‌طرفی و استقلال اعضای آن اعلام کرد. این کمیته تحقیقاتی مطابق با استانداردهای بین‌المللی را انجام نداده است و یافته‌های خود را علنی منتشر نکرده است.

هیچکدام از مقامات حکومتی در قبال قتل‌ها، شکنجه، ناپدیدسازی قهری و سایر جنایات بین‌المللی یا نقض شدید حقوق بشر که در سال ۱۴۰۲ یا قبل از آن انجام شده، پاسخگو نشده است.

مقامات به سرپوش گذاشتن بر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، از سوی مسئولان حکومتی علیه معترضان بازداشت‌شده در جریان خیزش ۱۴۰۲، ادامه داده‌اند و قربانیان را تحت فشار قرار دادند تا شکایت خود را پس بگیرند یا با انتقام‌جویی حکومتی مواجه شوند. آن‌ها همچنین خانواده‌های قربانیانی را که در جریان خیزش به قتل رسیدند، در معرض آزار و اذیت و ارباب، بازداشت خودسرانه، ممنوعیت برگزاری مراسم یادبود و تخریب مقبره‌های عزیزان‌شان قرار دادند. آن‌ها همچنان مسئولیت مرگ ژینا/مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ را انکار کردند و خانواده او را مورد آزار و اذیت قرار دادند.

مقامات همچنان حقایق پیرامون حمله موشکی ژانویه ۲۰۲۰ (دی ماه ۱۳۹۸) به پرواز ۷۵۲ خطوط هوایی بین‌المللی اوکراین را که منجر به کشته شدن ۱۷۶ نفر شد، پنهان نگاه داشته‌اند... در فروردین ۱۴۰۲، پس از محاکمه‌ای محرمانه، دادگاهی نظامی یک فرماندهی رده‌پائین نظامی را به ۱۳ سال حبس و ۹ نفر دیگر را به بین یک تا سه سال زندان محکوم کرد. در ماه آگوست (مرداد ماه)، پرونده برای تجدید نظر به دیوان عالی کشور ارسال شد.

مصونیت از مجازات برای جنایات علیه بشریت سابق و ادامه‌دار مرتبط با اعدام‌های فراقضایی و ناپدیدسازی قهری چندین هزار مخالف و دگراندیش سیاسی در سال ۱۳۶۷، برقرار است. بسیاری از مرتکبان این جنایت کسانی هستند که اکنون دارای مناصب رسمی، از جمله رئیس‌جمهوری، هستند.

## **۲.۱۰ حق داشتن محیط زیست سالم**

کارشناسان محیط زیست از قصور مقامات در رسیدگی به بحران زیست محیطی ایران که از جمله نشانه‌های آن از دست دادن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها؛ جنگل‌زدایی؛ آلودگی هوا؛ آلودگی آب ناشی از تخلیه فاضلاب به منابع آب شهری؛ و فرونشست زمین است، انتقاد کرده‌اند.

ایران همچنان سطح بالایی از تولید سوخت‌های فسیلی و پرداخت یارانه برای آن را، حفظ کرده است.

**عفو بین الملل یک جنبش جهانی**

**برای احقاق حقوق بشر است.**

**بی عدالتی در حق یک نفر**

**مسأله همه ماست.**

**تماس با ما**

FACEBOOK.COM/  
AMNESTYGLOBAL



AMNESTY.ORG



@AMNESTY



INFO@AMNESTY.ORG



